

بررسی حق حیات در اسلام و نظام حقوق بشر مدرن

محمد سالم محسنی^{*۱}

۱- استاد در جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

چکیده

حق حیات از مهمترین حقوق انسانی است. در اسلام اهمیت آن به اندازه‌ای است که کشتن یک فرد مساوی با کشتن همه انسان‌ها تلقی می‌شود و امروزه در نظام حقوق بشر به‌عنوان نخستین حق انسانی مورد حمایت قرار گرفته است. این پژوهش تلاش کرده است تا جایگاه حق حیات و تدابیر حمایتی از آن را در نظام حقوقی اسلام مطالعه و بررسی نماید. یافته‌های تحقیق بیان‌گر آن است که در اسلام حق حیات از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و برای حمایت از آن تدابیری مختلف وضع شده است. در مقایسه نظام حقوقی اسلام با نظام حقوق بشر مدرن نیز نسبت به اصل شناسایی حق حیات تفاوتی به نظر نمی‌رسد؛ چون هر دو با تأکید بر اهمیت حق حیات، تدابیر حمایتی گوناگونی را در نظر گرفته‌اند؛ اما در عین حال، بین آن دو از نظر مبانی، اهداف و نوع نگرش به مسئله، تفاوت‌هایی قابل مشاهده است.

واژه‌های کلیدی: اسلام، حق حیات، اهمیت حق حیات، حمایت از حق حیات، نظام حقوق بشر مدرن

مقدمه

حق حیات از حقوق بنیادین بشر است و محملی برای دیگر حق‌های بشری به شمار می‌رود. از این رو همواره در ادیان الهی و نظام‌های حقوقی دنیا مورد توجه بوده است. اسلام از چهارده قرن پیش به حیات انسان‌ها احترام قائل شده و نابود ساختن نفس محترمه را ممنوع ساخته است تا جایی که کشتن یک انسان را مساوی با کشتن همه انسان‌ها تلقی کرده است. در دوره معاصر با شکل‌گیری نهادهای حقوق بشری و تدوین اعلامیه‌ها، میثاق‌ها و کنوانسیون‌های گوناگونی در ارتباط با حقوق بشر، اهمیت حق حیات در عرصه بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته و این تلاش حتی به لغو مجازات اعدام در برخی اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر منتهی شده است.

هدف این پژوهش، مطالعه حق حیات در اسلام است تا میزان اهمیت و چگونگی حمایت از این حق را نشان دهد. پرسش اصلی تحقیق آن است که حق حیات در اسلام چه جایگاهی دارد؟ این پرسش را می‌توان در قالب پرسش‌های فرعی زیر تجزیه کرد: ۱- اهمیت حق حیات در اسلام چگونه بازتاب یافته است؟ ۲- در اسلام چگونه از حق حیات حمایت صورت گرفته است؟ ۳- نگرش اسلام نسبت به حق حیات با نگرش حقوق بشر مدرن چه تفاوت‌هایی دارد؟ ۴- آیا مجازات سالب حیات، ناقض حق حیات است؟ با توجه به پرسش‌های یاد شده، در سامان‌دهی و ساختار مباحث، نخست اهمیت حق حیات و سپس مسئله حمایت از آن مورد بحث قرار می‌گیرد و در مرحله بعد به بررسی و ارزیابی تفاوت نگرش اسلام و حقوق بشر نسبت به حق حیات پرداخته می‌شود و در نهایت، مجازات سالب حیات به‌عنوان چالشی در برابر حق حیات مورد اشاره قرار می‌گیرد.

اهمیت حق حیات در اسلام

حق حیات بر دیگر حق‌های بشری برتری داشته و از نظر اهمیت نسبت به همه آن‌ها مقدم است. اگر این حق با دیگر حقوق انسانی مقایسه شود، اهمیت و تقدم آن بر سایر حق‌ها روشن‌تر خواهد شد؛ زیرا اولاً تمامی حق‌های بشری در پرتو حق حیات معنا می‌یابد و زمانی قابل استیفا خواهد بود که حیات انسان‌ها محترم شمرده شود، وگرنه با سلب حق حیات افراد، زمینه برای استفاده از دیگر حق‌ها نیز باقی نخواهد ماند؛ ثانیاً هدف از وجود سایر حق‌های بشری نیز حمایت از حق حیات و شخصیت انسان در حوزه فردی و اجتماعی و ساحت مادی و معنوی است؛ بنابراین حق حیات از بنیادی‌ترین حق‌های بشری محسوب می‌شود.

در اسلام اهمیت حق حیات به آنجا می‌رسد که کشتن یک انسانی بی‌گناه مساوی با کشتن همه انسان‌ها محسوب می‌شود و حفظ جان انسان جزء اولین یا دومین مقاصد شریعت تلقی می‌گردد. قرآن کریم برای نشان دادن اهمیت حق حیات، کشتن انسانی را که جرم و تقصیری ندارد، مساوی با قتل همه افراد بشر می‌خواند: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲)؛ هر کس، شخصی را بدون (ارتکاب قتل) کسی یا فسادی در زمین، بکشد، پس گویا همه مردم را کشته و هر کس، شخصی را زنده بدارد، پس گویا همه مردم را زنده داشته است.

کشتن یک انسان از آن‌رو در حکم قتل تمام انسان‌ها تلقی می‌شود که همه افراد بشر خانواده واحدی بوده و هر فردی با جمیع انسان‌ها در «انسان بودن» مساوی است. از این‌رو، قرآن این سخن کنایی را به صورت تشبیه بیان کرده است (طباطبائی، ۱۴۱۷: ج ۵، ص ۳۱۷؛ قضاوی، ۱۴۱۸: ۲۸۱). حضرت پیامبر (ص) درباره عواقب و پیامدهای قتل نفس و خون به ناحق ریخته شده می‌گوید: «اولین چیزی که در روز قیامت مورد حساب‌رسی قرار می‌گیرد، خون‌های ریخته شده است» (کلینی، ۱۴۳۰: ج ۱۴، ۲۷۸؛ بخاری، ۱۴۱۰: ج ۱۰، ۱۷۷؛ مسلم، ۱۴۱۲: ج ۳، ۱۳۰۴). این سخن از اهمیت جان و عظمت خون انسان‌ها حکایت می‌کند.

حضرت علی در بیان اهمیت حق حیات و عواقب دردناک پایمال کردن خون انسان‌ها به مالک اشتر فرماندارش در امور کشورداری سخت هشدار می‌دهد:

از خونریزی بپرهیز و از خون ناحق پروا کن، که هیچ چیز همانند خون ناحق کیفر الهی را نزدیک و مجازات را بزرگ نمی‌کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی‌بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی‌گرداند و روز قیامت خدای سبحان قبل از رسیدگی اعمال بندگان، نسبت به خون‌های ناحق ریخته شده داوری خواهد کرد، پس با ریختن خونی حرام، حکومت خود را تقویت مکن. زیرا خون ناحق، پایه‌های حکومت را سست و پست می‌کند و بنیاد آن را بر کنده به دیگری منتقل سازد و تو، نه در نزد من و نه در پیشگاه خداوند، عذری در خون ناحق نخواهی داشت چرا که کیفر آن قصاص است و از آن گریزی نیست (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۹۹۲-۹۹۳).

به دلیل اهمیت حق حیات است که در فقه اسلامی حفظ نفس جزء اولین یا دومین مقاصد شریعت نام‌برده شده است. جمعی از فقهای اسلامی هدف از وضع احکام و تکالیف دینی را محافظت از پنج مقصد ضروری شرع دانسته که عبارتند از: ۱- دین، ۲- نفس (جان)، ۳- عقل، ۴- نسب (نسل، عرض و ناموس)،

۵- مال. در ترتیب این مقاصد پنجگانه، برخی حفظ دین را اولین مقصد شریعت دانستند (غزالی، بی تا: ج ۱، ۲۱۷: آمدی، ۱۴۰۶: ج ۲ جزء ۳، ۳۰۰: حلی سیوری، ۱۴۰۳: ۷؛ شاطبی، ج ۱ جزء ۲، ۷-۸) ولی برخی دیگر حتی در مواردی حفظ جان و نفس را بر آن مقدم داشته و در رتبه نخست ذکر کرده‌اند (رازی، ۱۴۲۰: ج ۴، ۱۱۸۹: عاملی شهید اول، ج ۱، ۳۸: حلی سیوری، ۱۴۰۳: ۶۲)؛ بنابراین قرار گرفتن حفظ نفس و جان انسان‌ها در ردیف نخستین یا دومین اهداف و مقاصد شریعت، نشان دهنده اهمیت فوق العاده آن در فقه اسلامی است.

حمایت از حق حیات در اسلام

بعد از آنکه اهمیت حق حیات روشن شد، در اینجا به بحث حمایت از حق حیات پرداخته می‌شود. این حق در نظام حقوقی اسلام در جایگاه اول قرار گرفته و تدابیر حمایتی گوناگونی نسبت به آن اتخاذ شده است. نخست برای حمایت از حق حیات و محافظت از تمامیت جسمی و روحی انسان‌ها قتل نفس، ترور، خودکشی، فرزندکشی و هر نوع تعدی و تجاوز به جان و حیات افراد بدون مجوز شرعی تحریم و ممنوع شده و سپس برای متجاوزان به امنیت جان انسان‌ها مجازات بازدارنده و حمایت‌گرایانه گوناگونی مانند قصاص و دیه وضع شده است.

قرآن کریم در آیات مختلف به‌طور صریح قتل نفس را تحریم کرده و از تعدی بر حیات انسان‌ها نهی می‌کند: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (اسراء: ۳۳)؛ نفسی را که خدا حرمت بخشیده و کشتنش را حرام کرده است، به قتل نرسانید، مگر آنکه کشتن او حق باشد و کسی که مظلومانه کشته شده ما برای ولی او سلطنت و قدرتی بر قاتل دادیم (که می‌تواند او را قصاص کند یا دیه بگیرد و یا عفو کند)، پس در قتل زیاده‌روی نکنید که او یاری شده (خدا) است. در سوره انعام نیز بخش اول این آیه که صریحاً کشتن انسانی بی‌گناه را نهی و تحریم می‌کند، تکرار شده است (انعام: ۱۵۱).

تحریم قتل نفس و ممنوعیت کشتار انسان، هرگونه قتل بدون مجوز شرعی را شامل می‌شود که از جمله، کشتن غافلگیرانه و ترور (Terror) است. اسلام به هیچ وجه این نوع کشتار ناجوان‌مردانه را حتی نسبت به دشمن جایز نمی‌داند. در روایتی از امام صادق نقل شده است که ابوصباح کنانی به آن حضرت می‌گوید: همسایه‌ای دارم از قبیله همدان به نام جعد بن عبدالله که در مجالس ما می‌نشیند و هنگامی از فضایل حضرت علی صحبت می‌شود، به ایشان سب و توهین می‌کند؛ آیا اجازه می‌دهید او را بکشیم؟ امام صادق فرمود: آیا واقعاً چنین کاری می‌کنی؟ گفت: بلی به خدا قسم در راه او کمین کرده و با شمشیر او را

می کشم. حضرت فرمود: «يَا أَبَا الصَّبَّاحِ هَذَا الْفَتْكُ وَقَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْفَتكِ يَا أَبَا الصَّبَّاحِ إِنَّ الْإِسْلَامَ قَيْدُ الْفَتْكِ» (کلینی، ۱۴۳۰: ج ۵، ۵۵۰؛ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۱۰، ۲۱۴)؛ این کار فتک و کشتن غافلگیرانه است و رسول خدا از این نوع کشتن نهی کرده است، چون اسلام کشتن غافلگیرانه را به بند کشیده و منع کرده است. در برخی روایات دیگر به جای واژه اسلام، واژه ایمان آمده است: «إِنَّ الْإِيمَانَ قَيْدُ الْفَتْكِ، لَا يَفْتِكُ مُؤْمِنٌ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ج ۳، ۴۱؛ ابو داود، ۱۴۲۰: ج ۳، ۱۲۰۶)؛ ایمان کشتن غافلگیرانه را قید زده و منع کرده است و انسان مؤمن به طور غافلگیرانه نمی کشد.

نوع دیگری از قتل که فرزندکشی است و در عصر جاهلی رایج بود و امر عادی تلقی می شد، نیز در قرآن کریم به شدت نهی شده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» (انعام: ۱۵۱)، فرزندان تان را از فقر نکشید، ما شما و آنان را روزی می دهیم. یا در جای دیگر می فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاکُمْ» (اسراء: ۳۱)؛ فرزندان خود را از بیم فقر نکشید، ما آن ها و شما را روزی می دهیم.

در اسلام حتی کسی اجازه ندارد حیات خود را نابود کند. قرآن کریم هر نوع خودکشی را نیز منع و تحریم کرده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء: ۲۹)؛ خودتان را نکشید، خدا نسبت به شما رحیم و مهربان است. کشتن خود به معنای هلاک کردن است و کسی نباید خود را به دست خویش هلاک و نابود سازد، چنانکه می فرماید: «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵)، یعنی خودتان را با دست تان به هلاکت نیفکنید.

امام صادق در حرمت خودکشی و عواقب ناگوار آن می گوید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مَعْتَمِدًا فَهُوَ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا» (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۴، ۹۵)؛ کسی که عمداً خود را بکشد تا ابد در آتش جهنم ماندگار خواهد بود.

بر این اساس، اسلام حفظ حیات را حتی یک وظیفه و تکلیف می داند و نه تنها به دیگران اجازه نمی دهد تا به حق حیات کسی تعدی کند، بلکه به خود شخص نیز اجازه نمی دهد تا به جان و سلامتی خود آسیب بزند.

اسلام بعد از تحریم قتل نفس و ممنوعیت کشتن انسان، برای کسانی که به قتل افراد بی گناه دست می زنند، مجازات گوناگونی را مقرر کرده است. نخست آن ها را مستحق عذاب دردناکی در عالم آخرت دانسته و جایگاه آنان را برای همیشه در جهنم قرار داده است (نساء: ۹۳؛ کلینی، ۱۴۳۰: ج ۱۴، ۲۷۷-۲۸۴)؛ سپس مجازات اعدام، قصاص و دیه را وضع کرده است تا هم از خون ریخته شده حمایت شود و هم برای پیشگیری از قتل، بازدارندگی لازم را به وجود آورد. از این رو، در قتل خطا دبه قرار داده (نساء: ۹۲؛ حر

عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۹، ۱۹۳-۱۹۷) و در قتل عمد قاتل را مستحق اعدام دانسته و حکم به قصاص کرده است؛ لکن در عین حال برای ولی مقتول اختیار داده تا قاتل را در برابر دریافت دیه یا بدون آن عفو کند (بقره: ۱۷۸-۱۷۹؛ اسراء: ۳۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۹، ۵۲-۵۵).

اهمیت و حرمت نفس انسانی در سراسر فقه اسلامی بازتاب یافته است، چنانکه فقها در مباحث مختلف و موارد گوناگون، از آن به عنوان نفس محترمه (عاملی شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۷۹؛ طباطبائی حائری، ۱۴۱۸: ج ۱۵، ۴۹۶) و نفس معصومه (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ۱۸۰؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ج ۱۳، ۴۶۳) یاد کرده‌اند. در فقه اسلامی شواهد و قراینی زیادی وجود دارد که نشان‌دهنده حمایت از حق حیات انسان‌ها است. برخی این شواهد را می‌توان مورد اشاره قرار داد.

۱- در فقه اسلامی حمایت خاصی از حق حیات انسان‌ها در هنگام جنگ صورت گرفته است. از جمله اینکه در میدان جنگ، جز مقاتله با سربازان جنگی، کشتن افراد دیگر مانند اسیران، زنان، کودکان و پیران را منع کرده و حتی قطع درختان را در شرایط عادی اجازه نداده است (عاملی شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۹۳؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ج ۸، ۵۸۵۵). در روایتی از حضرت پیامبر (ص) نقل شده است که هنگامی سربازان را به جنگ (سریه) می‌فرستاد توصیه می‌کرد که پیر مرد فرتوت، کودک و زن را نکشید و درخت را قطع نکنید (کلینی، ۱۴۳۰: ج ۹، ۴۰۸ و ۴۱۵).

۲- مسئله احتیاط در دماء (ریختن خون) یکی از تدابیر حمایتی فقه اسلامی نسبت به حق حیات به شمار می‌رود. در فقه اسلامی برای حفظ جان و حیات انسان‌ها در مورد دماء توجهی خاصی صورت گرفته و در جایی که مسئله کشتن و سلب حیات مطرح است، همواره به رعایت احتیاط توصیه شده است. از این رو، فقها در ابواب مختلف فقه مانند حدود، قصاص و... به مسئله احتیاط در دماء استناد می‌کنند (ر ک: عاملی شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۹، ۳۴۵؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۱۹۸؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ج ۴، ۱۵۲).

۳- قاعده «دفع حدود به شبهات» نیز یکی از قواعد فقهی است که اهمیت جان و نفس انسان‌ها را بازگو می‌کند و نشان‌دهنده حمایت از حق حیات است؛ چون بر اساس این قاعده در مسئله حدود که بیشتر آن از نوع مجازات سالب حیات بوده و با جان انسان‌ها ارتباط دارد، اگر شبهه‌ای پیش آید حد اجرا نمی‌شود، چنانکه در این روایت از حضرت پیامبر نقل شده است: «ادروا الحدود بالشبهات» (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۴، ۷۴). همچنین در روایتی از آن حضرت آمده است: «تا جایی که برای شما ممکن باشد حدود را از مسلمانان دفع کنید، اگر راه برون‌رفتی برای او وجود داشته باشد وی را رها کنید؛ چون اگر امام مسلمین در بخشش اشتباه کند بهتر از آن است که در عقوبت اشتباه کند» (ترمذی، ۱۴۱۹: ج ۳، ۴۵۳). این قاعده بین فقها مشهور

بوده و تلقی به قبول شده است و در ابواب مختلف مورد استناد قرار گرفته است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ج ۱، ۸۴).

نکته نهایی که در اینجا می‌توان اشاره کرد، این است که در اسلام حرمت نفس و حق حیات، شامل همه انسان‌ها می‌شود، بدون در نظر گرفتن جنس، رنگ و نژاد. حتی بین مسلمان و غیر مسلمان نیز از این نظر تفاوتی وجود ندارد؛ چون هر انسانی تا وقتی که به دلیل ارتکاب جرم و جنایت مستحق مجازات نشده است، خوش محترم بوده و حق حیات دارد. بر این اساس، حیات غیر مسلمانانی که در کشور اسلامی و تحت حاکمیت آن زندگی می‌کنند و قوانین و مقررات آن جامعه را پذیرفته‌اند، محترم بوده و جان و مال آن‌ها از هر نوع تعرض و تعدی مصون است (ر ک: غزالی، ۲۰۰۳: ۴۷؛ مرزوقی، ۱۴۲۶: ۱۱۷-۱۱۹). در این مسئله می‌توان به روایات زیر استناد کرد که از حضرت پیامبر (ص) درباره غیر مسلمانانی که شرایط و مقررات حکومت اسلامی را پذیرفته‌اند، آمده است: «کسی که شخصی از اهل ذمه را بکشد، بوی بهشت که از چهل سال راه قابل استشمام است به مشامش نخواهد رسید» (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ج ۱۱، ۳۵۶؛ نسائی، ۱۴۱۱: ج ۵، ۲۲۶). یا در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده است: «کسی که معاهدی را بکشد، بوی بهشت که از فاصله چهل سال راه قابل استشمام است، به مشام او نخواهد رسید» (بخاری، ۱۴۱۰: ج ۵، ۲۴۳).

به دلیل اهمیت حق حیات، امروزه در نظام حقوق بشر بین‌المللی نیز تدابیر حمایتی خاصی در نظر گرفته شده است که از جمله می‌توان به ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اشاره کرد:

- حق حیات باید به‌موجب قانون حمایت شود؛
- هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه و بدون مجوز از زندگی محروم کرد؛
- مجازات اعدام برای کشورهایی که تاهنوز آن را لغو نکرده‌اند، صرفاً به جنایات مهم محدود شده و تنها مطابق قانون لازم الاجرا در هنگام ارتکاب جنایت و بر اساس حکم قطعی محکمه صالح قابل اجرا است؛
- هنگامی که سلب حیات تشکیل دهنده جرم کشتار دسته‌جمعی (Genocide) باشد، مقررات این ماده، دولت‌های طرف میثاق را مجاز نمی‌دارد که از الزامات «کنوانسیون جلوگیری و مجازات کشتار دسته‌جمعی» تخلف کنند؛
- هر محکوم به اعدامی حق دارد درخواست عفو یا تخفیف مجازات نماید؛
- حکم اعدام برای جرائم ارتکاب‌یافته توسط افراد کم‌تر از ۱۸ سال قابل اعمال نیست؛

- حکم اعدام درباره زنان باردار غیر قابل اجرا است؛
- مقررات این ماده نمی‌تواند برای تأخیر یا منع الغای مجازات اعدام از طرف دولت‌های طرف میثاق قابل استناد باشد.

در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر نیز حق حیات مورد تأکید قرار گرفته است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در ماده ۲، منشور آفریقای حقوق بشر و ملت‌ها در ماده ۴، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در ماده ۴، مقررات روشنی را در حمایت از حق حیات وضع کرده‌اند. همچنین اعلامیه اسلامی حقوق بشر در ماده ۲ به حمایت از این حق پرداخته است.

تفاوت نگرش حقوق بشر اسلامی و نظام بین‌المللی حقوق بشر به حق حیات

نگرش حقوق بشر اسلامی و نظام بین‌المللی حقوق بشر نسبت به اصل شناسایی حق حیات همسو و مشترک است؛ چون هر دو نظام حقوقی به جان و حیات انسان‌ها احترام گذاشته و قتل نفس را منع کرده‌اند. همچنین برای حمایت از آن و مقابله با کسانی که به امنیت و تمامیت حیات انسان‌ها آسیب می‌رسانند و مرتکب جنایت قتل می‌شوند، مجازات‌هایی را در نظر گرفته‌اند؛ اما در عین حال، از جهت مبانی و اهداف می‌توان تفاوت‌هایی را بین این دو نظام حقوقی برشمرد.

۱- حق حیات در اسلام موهبت و رحمت الهی به شمار می‌رود، در حالی که در نظام بین‌المللی حقوق بشر به‌عنوان حق ذاتی افراد مطرح شده است.

در تفکر اسلامی انسان آفریده خداوند و وابسته به اوست، زیرا خود ذاتاً ممکن الوجود بوده و مستقل از آفریدگار حکیم، اقتضای هستی ندارد و از اینکه در اصل هستی خود آفریده خدا و وابسته به اوست، در همه شئون زندگی نیز وابسته و نیازمند به او خواهد بود، چون تنها خداوند که اصل هستی انسان‌ها را افاضه می‌کند، از خواسته‌ها و نیازهای آنان آگاهی کامل داشته و راه‌های رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه را به‌خوبی می‌داند و در نتیجه حقوقی را که برای حیات کریمانه انسان‌ها لازم است اعطا می‌کند.

بنابراین، نظام حقوقی اسلام بر مبانی تفکر خدامحورانه و توحیدی استوار است و حق حیات در اصل، منشأ الهی دارد. قرآن کریم حیات در روی زمین را به‌صورت کلی نشانه‌ای از رحمت خداوند دانسته (روم: ۵۰) و حیات انسانی را به‌طور خاص نفخه الهی معرفی می‌کند (حجر: ۲۹: ۷۲).

این مسئله در ماده دوم اعلامیه اسلامی حقوق بشر (قاهره) به‌طور صریح مطرح شده است: الف. زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده است و بر همه افراد و جوامع و حکومت‌ها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی

کنند و جایز نیست کشتن هیچ کسی بدون مجوز شرعی؛ اما در نظام بین‌المللی حقوق بشر که بر مبنای تفکر انسان‌مداری (Humanism) شکل گرفته است، ارتباط افراد با خدا قطع می‌شود و تنها انسان و خواسته‌ها و نیازهای او محور توجه قرار می‌گیرد. اگرچه در اسناد حقوق بشر به مبنای خاصی اشاره نشده بلکه نسبت به مبنای فلسفی و دینی موضع بی‌طرفانه اتخاذ گردیده است، ولی از جهت‌گیری کلی و محتوای آن به دست می‌آید که مبنای انسان‌محورانه دارد؛ زیرا اولاً نسبت به رابطه انسان با خدا سکوت کرده و از توجه به منشأ الهی حق‌ها خودداری می‌ورزد و ثانیاً لحن مواد این اعلامیه‌ها و میثاق‌ها از بینش اومانیستی آن‌ها حکایت می‌کند. به‌طور مثال، در نخستین ماده اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند» و ماده شش میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌گوید: «حق حیات از حقوق ذاتی شخص انسان است». این تعبیرات در ظاهر با مبنای انسان‌محوری سازگارتر است.

۲- حق حیات در حقوق بشر مدرن محدود به حوزه حیات مادی و بیولوژیک است اما در حقوق بشر اسلامی حیات مادی و معنوی را در برمی‌گیرد.

اسناد حقوق بشر حق حیات انسان را تنها در محدوده زندگی مادی و در قلمرو روابط فردی و اجتماعی مورد توجه قرار داده و برای حمایت از آن، هر نوع آسیب جسمی و روانی مانند قتل، شکنجه، بردگی و مجازات ظالمانه را ممنوع کرده است (اعلامیه جهانی: ماده ۳-۵؛ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: ماده ۶-۸)، ولی نسبت به حیات معنوی انسان که در پرتو ایمان و بندگی خدا به دست می‌آید، ساکت است. اما در اسلام حق حیات اعم از حیات مادی و معنوی است، چون حقیقت انسان از دیدگاه اسلام ترکیب یافته‌ای از دو بُعد مادی و معنوی است که ساحت مادی وجود او مربوط به جسم و ساحت معنوی آن به روح الهی و فطرت حقیقت‌خواهی وی تعلق دارد. انسان در ساحت روحانی و معنوی از طریق ایمان و بندگی خدا و عمل صالح پرورش یافته و به کمال و سعادت می‌رسد. قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷). هر انسانی چه مرد و چه زن اگر به خدا ایمان داشته و عمل صالح و شایسته انجام دهد، خداوند برای او حیات طیبه اعطا می‌کند. حیات طیبه مرتبه تعالی یافته‌ای حیات انسانی است که در پرتو زیست اخلاقی و ایمان و عمل صالح به دست می‌آید (طباطبائی، ۱۴۱۷: ج ۱۲، ۳۴۱-۳۴۲).

نابودی حیات بیولوژیکی انسان با کشتن و آسیب‌های جسمی و روانی صورت می‌گیرد؛ ولی نابودی حیات معنوی از طریق فاسد کردن محیط اجتماعی و ترویج مفاسد اخلاقی و گمراهی انسان از مسیر هدایت

تحقق می‌یابد که قرآن کریم آن را به‌عنوان فتنه یاد کرده و شدیدتر و بزرگ‌تر از قتل خوانده است؛^۱ زیرا کشتن انسان تنها موجب هلاکت و نابودی حیات دنیایی می‌شود، لکن فتنه و گمراهی از مسیر حق موجب هلاکت زندگی دنیایی و اخروی می‌گردد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۶۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۷۵-۱۸۰).

نظر به اهمیت حق حیات معنوی، اعلامیه اسلامی حقوق بشر آن را در یک ماده مستقل مطرح کرده است:

الف) هر انسانی حق دارد که در یک محیط پاک از مفسد و بیماری‌های اخلاقی به گونه‌ای که بتواند در آن خود را از لحاظ معنوی بسازد، زندگی کند، جامعه و دولت موظفاند این حق را برای او فراهم کنند (ماده ۱۷).

۳- حق حیات در حقوق بشر مدرن صرفاً به‌عنوان یک حق مطرح است ولی در اسلام دارای ماهیت دو گانه حق و تکلیف است.

حقوق بشر مدرن نگرش حق‌مدارانه دارد نه تکلیف‌محور، چون تمرکز آن به حمایت از حق حیات هر شخص در برابر دیگر اشخاص و دولت است. اگرچه حق حیات در این نظام حقوقی یک حق منفی-مثبت است که از جهت حق منفی بودن با عدم تعدی و تجاوز به جان و امنیت اشخاص تحقق می‌یابد و از جهت حق مثبت بودن مقتضی اقدامات عملی دولت در جهت حفظ جان و تأمین امنیت آنان است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۹: ۴۱-۴۲)؛ ولی در این نگرش، شخص در برابر خود و آفریدگارش مکلف نیست تا از حیات خویش محافظت و مراقبت کند، چون او صاحب حق است.

اما در اسلام افزون بر آن که هر شخصی نسبت به حیات خود صاحب حق است، در برابر آن تکلیف نیز دارد تا از حیات و امنیت جان خود محافظت کند؛ چون حیات او عطای خداوندی است نه اینکه خود مالک آن باشد و مطابق میل خویش با آن رفتار کند. از این‌رو، اسلام به کسی اجازه نمی‌دهد تا به خودکشی دست بزند و حیات خود را نابود سازد (نساء: ۲۹؛ بقره: ۱۹۵).

با توجه به چنین نگرشی که در اسلام به حیات انسانی وجود دارد، در فقه اسلامی محافظت از جان و تمامیت جسمی و روحی انسان واجب و حفظ نفس و عقل از مقاصد ضروری شریعت محسوب شده است و در اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز جنبه تکلیف‌بودن آن مورد اشاره قرار گرفته است:

ج. پاسداری از ادامه زندگی بشریت تا هر جایی که خداوند مشیت نماید، وظیفه‌ای شرعی می‌باشد (اعلامیه اسلامی حقوق بشر: ماده ۲).

۱. «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره: ۱۹۱) «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره: ۲۱۷).

۴- در حقوق بشر مدرن حق حیات ناظر به محدوده زمانی تولد تا مرگ انسان است ولی در حقوق بشر اسلامی این حق از دوره شکل‌گیری نطفه و جنین تا زمان مرگ را شامل می‌شود.

اسناد بین‌المللی حقوق بشر درباره حق حیات انسان قبل از تولد و دوره جنینی سکوت کرده و آن را به‌طور صریح مورد حمایت قرار نداده است. در اعلامیه جهانی و میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر نسبت به حق حیات انسان قبل از تولد و به‌خصوص ممنوعیت سقط جنین توجهی صورت نگرفته است؛ تنها در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر به حمایت از حق حیات از زمان حمل اشاره شده است (ماده ۴). بر این اساس، در میان طرفداران حقوق بشر نسبت به جواز سقط جنین دو دیدگاه شکل گرفته است. برخی به خاطر حق حیات مادر، احترام به تمامیت جسمی زن، حق‌رهایی از تبعیض، حق آزادی زن در تصمیم‌گیری نسبت به حریم خصوصی خود مانند تعیین تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری، از آزادی سقط جنین دفاع کرده‌اند؛ در مقابل، برخی دیگر جنین را نیز دارای حیات و شخصیت دانسته و هر نوع عمل سقط جنین را مخالف حق حیات یک انسان تلقی کرده‌اند (مهرگان، ۱۳۸۴: ۴۳۱-۴۳۳؛ حبیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۸۴-۹۲).

در تفسیری که از حق حیات مندرج در ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی صورت گرفته، این‌گونه آمده است که اگرچه در میثاق حقوق مدنی و سیاسی به ممنوعت سقط جنین اشاره نشده است و کشورها نیز رویه واحدی در این مسئله ندارند، اما دولت‌ها می‌توانند از طریق شناسایی اهلیت جنین برای او حق حیات قائل شده و برای حمایت از آن تدابیری را بیندیشند، مشروط بر آنکه با حق حیات مادران در تعارض قرار نگیرد. در نهایت پیشنهاد می‌کند که باید شرایط قانونی سقط جنین درمانی در مواقع ضروری برای حمایت از حیات مادران مورد توجه قرار گیرد (پیش‌نویس نظریه تفسیری حق حیات، بند ۷).

اما در نظام حقوقی اسلام حق حیات انسان از دوره جنینی آغاز می‌شود و سقط جنین به‌خودی‌خود حرام بوده و به هیچ وجه مجاز نیست. از این‌رو، در فقه اسلامی عامل سقط جنین به‌عنوان قاتل شناخته شده و برای جنین اسقاط شده در مراحل مختلف دیه تعیین شده است (عاملی شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۱۰، ۲۸۸-۲۹۰؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۳، ۳۵۶-۳۷۵). تنها در صورتی که حیات جنین با حیات مادر در تقابل قرار گیرد و ادامه بارداری، حیات مادر را با خطر قطعی مواجه سازد، بحث جواز و عدم جواز سقط جنین برای حفظ حیات مادر مطرح می‌شود که در اینجا برخی فقها سقط جنین را تنها تا قبل از دمیده شدن روح جایز دانسته نه بعد از آن، ولی برخی دیگر بعد از دمیدن روح نیز قائل به جواز شده‌اند (فیاض، بی‌تا: ج ۳، ۴۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۲۹۲-۲۹۶).

مسئله حمایت از حق حیات جنین در اعلامیه اسلامی حقوق بشر مورد اشاره قرار گرفته است: «در ضمن باید از جنین و مادر نگهداری شود و مراقبت‌های ویژه نسبت به آن‌ها مبذول گردد» (ماده ۷).

حق حیات و مجازات سالب حیات

یکی از مباحث پرچالش در بحث حق حیات، مجازات سالب حیات است. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا حق حیات یک حق مطلق و سلب‌ناپذیر است که در این صورت مجازات سالب حیات مانند اعدام، ناقض آن خواهد بود یا اینکه حق محدود و قابل سلب است که در این فرض، مجازات اعدام با حق حیات تعارض نخواهد داشت؟

مشروعیت مجازات سالب حیات از گذشته‌های دور تا عصر جدید در نظام‌های حقوقی دنیا مطرح بوده و اعدام به‌عنوان یکی از مجازات مهم شناخته می‌شد؛ اما از قرن هجدهم به بعد به‌خصوص در دوره معاصر در میان برخی متفکران غربی اندیشه سلب‌ناپذیری حق حیات و ضرورت لغو مجازات اعدام مطرح شده است (شمس ناتری، ۱۳۷۸: ۶۲-۷۰).

- طرفداران ممنوعیت اعدام به توجیهات گوناگون و دلایلی مختلفی تمسک جستند، مانند اینکه:
- حق حیات از حقوق طبیعی و ذاتی انسان است پس دیگران نمی‌توانند آن را سلب کنند؛
 - سلب حیات انسان پیامدهای ناگواری روحی و روانی در پی داشته و خشونت به بار می‌آورد؛
 - احتمال دارد در فرآیند دادرسی اشتباهی صورت گرفته و به سلب حیات انسان بی‌گناهی منجر شود و این امر مستلزم احتیاط است؛
 - مجازات اعدام باروح بشر دوستی و تمدن امروزی که حق حیات را برای همه انسان‌ها محترم می‌شمارد، ناسازگار بوده و موجب آزدگی جامعه می‌شود؛
 - مجازات سالب حیات ظالمانه بوده و با کرامت انسانی ناسازگار است؛
 - تجربه نشان داده است که اعدام در کاهش جرم چندان اثر و فایده‌ای در پی نداشته است؛
 - مجازات اعدام مجرم را نابود می‌کند نه جرم را در حالی که باید جرم را ریشه‌کن کرد (پردال، ۱۳۸۶: ۸۰-۸۳؛ شامبیاتی، ۱۳۸۲: ج ۲، ۳۵۱-۳۵۴).

در این مسئله در نظام بین‌المللی حقوق بشر رویکرد حذف‌گرایانه اتخاذ شده و به سمت لغو مجازات اعدام پیش رفته است. اگرچه در اعلامیه جهانی و میثاق حقوق مدنی و سیاسی مجازات اعدام کاملاً لغو نشده بلکه تنها قاعده‌مند و محدود شده است؛ ولی جهت‌گیری آن‌ها به سمت الغای مجازات اعدام است، چنانکه میثاق حقوق مدنی و سیاسی در بند ۲ ماده ۶ صریحاً می‌گوید: در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است باید حکم اعدام منحصراً برای جرائم بسیار سنگین صادر شود. از دیگر اسناد و عملکرد نهادهای حقوق بشری نیز استنباط می‌شود که نظام بین‌المللی حقوق بشر به سمت لغو مجازات اعدام پیش می‌رود (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۹: ج ۲، ۵۳).

اما این جهت‌گیری حذف‌گرایانه در مراحل بعدی در برخی دیگر از اسناد حقوق بشر صریحاً به لغو مجازات اعدام انجامیده است. از جمله دومین پروتکل الحاقی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از ماده ۶ میثاق، مطلوب بودن الغای مجازات اعدام را استنباط کرده و در اولین ماده به‌طور صریح مجازات مزبور را برای تمامی اعضای خود لغو می‌کند و از دولت‌های عضو می‌خواهد که در راستای تحقق آن اقدامات لازم را به عمل آورند. همچنین ششمین پروتکل الحاقی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ماده ۱ مجازات اعدام را صریحاً لغو کرده است.

در پیش‌نویس نظریه تفسیری حق حیات مندرج در ماده ۶ میثاق، مجازات اعدام برای کشورهایی که به پروتکل الحاقی پیوسته و یا به‌موجب قانون داخلی آن را لغو کرده، غیر قابل بازگشت خوانده شده است. همچنین این کشورها دیگر نمی‌توانند برای جرائمی که قبلاً مجازات اعدام نداشته، چنین مجازاتی را وضع کنند (پیش‌نویس نظریه تفسیری حق حیات سال ۲۰۱۵: بند ۳۶).

اما در اسلام حق حیات مطلق نیست که در هیچ شرایطی نتوان آن را سلب کرد بلکه حقی است که از سوی خداوند اعطا شده و او نیز می‌تواند آن را محدود سازد. از این رو قرآن کریم برای حق حیات محدودیت قائل شده و در شرایطی خاص از جمله قتل عمد مجازات اعدام و قصاص را وضع کرده است: «و کسی که مظلومانه کشته شده است، ما به ولی او حکومت و تسلط (بر قصاص) دادیم» (اسراء: ۳۳).

بر این اساس، از دیدگاه اسلام مجازات سالب حیات در مواردی خاص، نه تنها تهدیدی برای حق حیات شمرده نمی‌شود، بلکه در واقع حمایت از حق حیات است؛ چون سلب این حق از جنایت‌کارانی که حیات دیگران را نابود می‌کنند، به نحوی حمایت و دفاع از حق حیات همه انسان‌ها است. هر انسانی حق دارد حیاتش محترم شمرده شود و کسی به آن تعدی و تجاوز نکند و این حق بنیادین نیاز به حمایت جدی و تضمین‌های بازدارنده دارد و یکی از راه‌های حمایت و تضمین آن تهدید حیات شخص قاتل و متجاوز به امنیت جان انسان‌ها است. از این رو، قرآن کریم قصاص را مایه حیات جامعه بشری می‌خواند:

و لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره: ۱۷۹)؛ ای صاحبان عقل و خرد، حکم قصاص برای حفظ حیات شما است تا اینکه از قتل یکدیگر بپرهیزید.

البته مجازات قصاص در اسلام جنبه انتقام‌جویانه ندارد چون با وجود حکم قصاص، به عفو و گذشت نیز توصیه شده است و وارثان مقتول می‌توانند از کشتن قاتل صرف نظر کنند (بقره: ۱۷۸).

برخی اندیشمندان اسلامی درباره فلسفه مجازات اعدام بر جنبه بازدارندگی آن توجه کرده، می‌گویند اگر این نوع مجازت نسبت به جنایت‌کارانی که عامدانه اقدام به کشتن دیگران می‌کنند برای همیشه برداشته شود، حمایت کافی از حق حیات دیگران به وجود نخواهد آمد و زمینه کشتن یک فرد به آسانی میسر خواهد شد. برداشتن مجازات اعدام و قصاص به معنای کاستن از ارزش و عظمت حیات انسانی است نه حرمت گذاشتن به آن؛ زیرا چنین رأفت و دل‌سوزی نسبت به شخص قاتل و جنایت‌کار، سبک‌شمردن حیات انسان‌ها و بی‌ارزشی آن را القا می‌کند (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۰۶).

نتیجه‌گیری

حق حیات اساسی‌ترین حق بشری است که رعایت آن بستر تحقق دیگر حق‌ها را فراهم می‌کند. قواعد و مقرراتی حقوقی به‌خصوص مقررات جزایی در نظام‌های حقوقی دنیا برای حمایت از این حق بنیادین بشر به وجود آمده است. مطالعه جایگاه حق حیات در اسلام نشان می‌دهد که در نظام حقوقی آن به حق حیات اهمیت فوق‌العاده داده شده است. در اسلام به خاطر اهمیت حق حیات، کشتن یک فرد مساوی با کشتن همه انسان‌ها به شمار آمده و نسبت به حمایت از این حق، تدابیر حمایت‌گراانه متعدد وضع شده است. اسلام حیات را رحمت خداوند دانسته و روح انسانی را نفخه الهی معرفی می‌کند که جایگاه خلافت الهی دارد. از این رو، هرگونه تعدی و تجاوز به جان و حیات انسان‌ها را بدون ارتکاب جرم و تقصیر و بدون مجوز شرعی، موجب سخت‌ترین عذاب الهی در آخرت و شدیدترین مجازات دنیایی دانسته است. دیدگاه اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر در اصل شناسایی حق حیات و اهمیت آن هماهنگ بوده و بین آن‌ها اختلاف نظر وجود ندارد؛ اما از جهت مبانی و اهداف، بین آن دو تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود که این مسئله به تفاوت نوع نگرش دو نظام حقوقی به حق حیات می‌انجامد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، گردآوری: سید شریف رضی، (۱۳۹۲)، ترجمه: محمد دشتی، چاپ اول، قم: انتشارات پیام عدالت.

ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶)، *مسند الإمام احمد بن حنبل*، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الرساله.
ابو داود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰)، *سنن ابی داود*، چاپ اول، قاهره: دار الحدیث.
اعلامیه اسلامی حقوق بشر، مصوب ۵ اوت ۱۹۹۰م، اجلاس وزرای خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸م، مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
آمدی، علی بن محمد (۱۴۰۶)، *الإحكام فی أصول الأحكام*، تحقیق: سید الجمیلی، چاپ دوم، بیروت: دار الكتاب العربی.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰)، *صحیح البخاری*، چاپ دوم، قاهره: جمهوری مصر العربیه، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه، لجنة احیاء کتب السنه.
پرادل، ژان (۱۳۸۶)، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

پیش‌نویس نظریه تفسیری حق حیات، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، شماره ۳۶، سال ۲۰۱۵.
ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۹)، *سنن الترمذی*، چاپ اول، قاهره: دار الحدیث.
جعفری، محمد تقی (۱۳۸۶)، *حقوق جهانی بشر*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، *فلسفه حقوق بشر*، چاپ چهارم، قم: نشر اسراء.
حبیب‌زاده، محمد جعفر: توحیدفرد، محمود؛ بازیار، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، «بررسی سقط جنین از دیدگاه حقوق بشر و حقوق موضوعه»، *مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان*، دوره ۵، شماره ۱۴، صفحات ۷۳-۹۴.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت.
حلی سیوری، مقداد بن عبدالله [فاضل مقداد] (۱۴۰۳)، *نصده القواعد الفقهیه علی مذهب الامامیه*، چاپ اول، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

دومین پروتکل الحاقی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل

متحد.

رازی، فخر الدین محمد بن عمر (۱۴۲۰)، *المحصلون فی علم اصول الفقه*، تحقیق: عادل احمد الموجود و علی محمد معوض، چاپ دوم، بیروت: المكتبة العصرية.

زحیلی، وهبة (۱۴۱۸)، *الفقه الاسلامی وادلتہ*، چاپ چهارم، دمشق: دار الفکر.

شاطبی، ابو اسحاق ابراهیم بن موسی (۱۴۲۴)، *الموافقات فی اصول الشریعة*، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العلمیة.

شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۲)، *حقوق جزای عمومی*، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات ژوبین.

تسشمین پروتکل الحاقی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در لغو مجازات اعدام، مصوب ۲۸ آوریل ۱۹۸۳ استرآبورگ.

شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۷۸)، *بررسی تطبیقی مجازات اعدام*، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳)، *من لایحضره الفقیه*، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبائی حائری، سید علی (۱۴۱۸)، *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت.

طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، *تهذیب الاحکام*، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیة.

عاملی شهید اول، محمد بن مکی (بی تا)، *القواعد و الفوائد*، تصحیح: سید عبد الهادی حکیم، چاپ اول، قم: کتابفروشی مفید، (افست شده از چاپ ۱۴۰۰ نجف اشرف).

عاملی شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، تصحیح و شرح: سید محمد کلانتر، چاپ اول، قم: کتابفروشی داوری.

غزالی، ابوحامد محمد بن محمد (بی تا)، *المستصفی من علم الاصول*، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

غزالی، محمد (۲۰۰۳)، *حقوق الانسان بین تعالیم الاسلام و إعلان الامم المتحدة*، چاپ پنجم، قاهره: نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزيع.

- فیاض، محمد اسحاق (بی‌تا)، *منهاج الصالحین*، بی‌نا.
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۹)، *حقوق بشر در جهان معاصر*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قرضاوی، یوسف (۱۴۱۸)، *الحلال و الحرام فی الاسلام*، چاپ بیست و دوم، قاهره: مکتبه وهبه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰)، *کافی*، چاپ اول، قم: دار الحدیث.
- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰م.
- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر*، مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹م.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، *نسراتح الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مرزوقی، ابراهیم عبدالله (۱۴۲۶)، *حقوق الانسان فی الاسلام*، ترجمه به عربی: محمد حسین مرسی، چاپ چهارم، ابوظبی، الامارات العربیة المتحدہ.
- مسلم، ابی الحسین بن حجاج قشیری نیشابوری، (۱۴۱۲)، *صحیح مسلم*، تصحیح: عبدالباقی محمد فؤاد، چاپ اول، قاهره: دار الحدیث.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳)، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرئساد الأذهان*، تحقیق و تصحیح: آقا مجتبی عراقی، علی پناه اشتهااردی و آقا حسین یزدی اصفهانی، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲)، *بحوث فقهیه هامه*، چاپ اول: قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب.
- مهرگان، امیر حسین (۱۳۸۴)، «سقط جنین و حقوق بشر در آیین حقوق بین‌الملل» *فصلنامه باروری و ناباروری*، دوره ۶، ش ۴، شماره مسلسل ۲۴، صفحات ۴۱۰-۴۴۰.
- موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم (۱۴۲۷)، *فقه الحدود و التعزیرات*، چاپ دوم، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی*، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶م مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، *جواهر الکلام فی شرح نسراتح الاسلام*، تصحیح: عباس قوچانی و علی آخوندی، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۱)، *السنن الکبری*، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.